

مدتی است چند نفری تحت عنوان " کانون مستقل کارگری" در خارج از کشور اطلاعیه هایی می دهند که عینیتی با واقعیات موجود جنبش کارگری در داخل کشور ندارد. از آنجا که چنین اطلاعیه هایی باعث ایجاد جو بدبینی و بی اعتمادی در خارج از کشور می شود، بر آن شدیم تا به اطلاع برسانیم که این جمع دو سه نفره و نشریه آنها این جنجال و هیاهوی دروغین را در خارج از کشور براه انداخته اند. لازم به یادآوری است که در سال ۱۳۷۷ همین افراد تحت نام " اتحادیه مستقل" چنین توهم پراکنی و هیاهو را براه انداختند که با تذکر چند نفر از دوستان به آنها، دست از آن حرکت غیراصولی برداشتند. اما با گذشت زمان اینک دوباره تحت عنوان "کانون مستقل" ساز قبلی خود را کوک کرده و شروع به دروغ پراکنی نموده اند. ما نوشته ای را که در آلمان در "پیک انترناسونالیستی" شماره ۳ و ۴ تابستان ۱۳۷۷ در مورد ماهیت این حرکت انتشار یافته بود، عیناً بازتکثیر کرده و این حرکت جدید را نیز دقیقاً ادامه حرکت گذشته آنان تحت نام " اتحادیه مستقل" می دانیم. در خاتمه لازم است یادآور شویم که "علی اعتمادی" رهبر اتحادیه مستقل دیروز و یا " نادر شکبیا" رهبر کانون مستقل امروز، نه کارگر بوده و نه ربطی به طبقه کارگر دارد. ما به این آقایان هشدار میدهم که چنانچه از این حرکت توهم پراکنی و ایجاد جو بی اعتمادی خود دست برندارند، نام اصلی این "رهبر" را با اعمال گذشته اش، چه قبل از زندان جمهوری اسلامی و چه در زندان و بعد از آزادی به اطلاع عموم می رسانیم.

کارگران مهاجر

## ۱ - پیدایش و عملکرد "اتحادیه مستقل کارگران ایران" ((به نقل از پیک انترناسونالیستی شماره ۳ و ۴، تابستان ۱۳۷۷ ص ۹ تا ۱۸)

حضور رعد آسای اتحادیه مستقل کارگران ایران در صفوف جناح چپ را باید از حوادث نادر فعالیتهای کارگری در خارج از کشور یاد آورد. در فروردین ماه سال جاری در نشریه تروتسکیستی "کارگر سوسیالیست" شماره ۵۱ اقدام به انتشار اطلاعیه هایی به امضای اتحادیه مستقل کارگری ایران نمود. بنا به نوشته این نشریه اطلاعیه های مزبور توسط کانون همبستگی با اتحادیه مستقل کارگران ایران در خارج تکثیر شده بودند. همزمان با آن، کمیته همبستگی با تشکل کای مستقل کارگری در بریتانیا ایجاد گردید. فعالیتهای این کمیته به منظور جلب حمایت احزاب و گروه های تروتسکیستی از اتحادیه مستقل کارگران ایران کماکان ادامه دارد. بدنبال این واقعه، برخی دیگر از احزاب و گروه های چپ مبادرت به درج اعلامیه های اتحادیه مستقل کارگران ایران در نشریه خود نمودند. سپس نیز به دنبال روال رایج در سبد چپ، کمیته ها و شبکه های همبستگی و حمایتی حضور خود را در صحنه اعلام کردند. در پی کانون همبستگی با اتحادیه مستقل کارگران ایران و کمیته همبستگی با تشکل های مستقل کارگری (بریتانیا)، شبکه همبستگی با جنبش کارگری ایران نیز موجودیت خود را از طریق نشریات سازمانهای مختلف چپ اعلام کرد. ( ۱ )

نشریه تروتسکیستی "کارگر سوسیالیست" ضمن ابراز حسنودی از تشکیل شبکه همبستگی... طی پیامی به فعالین این شبکه نوشت که،

**همانطور که اطلاع دارید، اول ماه مه امسال مصادف است با آغاز حرکتی نوینی در جنبش کارگری ایران. تناقص ها و تضادهای درونی هیأت حاکمه نه تنها پایه های رژیم را سست کرده که ابعاد جدیدی به مبارزات کارگران داده است. اقدام شما با تحولات اخیر ایران همسویی داشته و قابل تقدیر است. ما نیز به سهم خود در بریتانیا کمیته ای در همبستگی با تشکل های مستقل کارگری در ایران تشکیل داده و بطور اخص طی ماه گذشته فعالیت هایی را در دفاع از اتحادیه مستقل کارگران ایران آغاز کرده ایم. امیدواریم که در آتی بتوانیم فعالیت های خود را با شما رفقا در دفاع از جنبش کارگری و تشکلهای مستقل کارگری هماهنگ کنیم. (۲)**

برغم فعالیتهایی که حول این واقعه سازمان داده شده، تاکنون هیچگونه سندی که بیانگر چگونگی شکل گیری اتحادیه مستقل ... اهداف و خط مش آن و شیوه سازمانگری اتحادیه ای آن در ایران باشد منتشر نشده است. اتحادیه مستقل نیز تاکنون جز پنج اطلاعیه در باره برخی اعتراضات کارگری و یک نامه به رئیس جمهور، هیچ سندی در باره خط و مش و اهداف خود منتشر نکرده است. بدین ترتیب سؤال نخست این است که نیروی محرکه این اتحادیه چه بوده است؟ کدام نهادهای نطفه ای، کدام حرکتی جمعی رشد یافته، پایه های این اتحادیه کارگری را بنیاد نهاده است؟ برای پاسخ به سؤالات فوق می بایست به سراغ معدود اطلاعیه های این اتحادیه برویم تا ببینیم که اتحادیه مستقل کارگران ایران پیدایش خود را چگونه شرح می دهد.

**ایجاد اتحادیه مستقل کارگران ایران به سال ۶۷ برمیگردد. آن زمان بعد از رهایی رهبر کنونی اتحادیه از زندان و تماس با محافل کارگری در سطوح مختلف نطفه های اتحادیه بسته شد. اما اعلام موجودیت صورت نگرفت. کار روی اتحادیه و ضرورت آن در بین کارگران از طرف فعالین اتحادیه به شکل خستگی ناپذیر و شبانه روزی و کاملاً مخفی ادامه پیدا کرد تا ۱۱ اردیبهشت ۷۶ که ضرورت اعلام موجودیت در عمل احساس شد. قبل از اعلام موجودیت، فعالین اتحادیه در نشست های مختلف، رهبری و دیگر نهادهای اتحادیه را انتخاب و تعیین کردند و بر مبنای ویژگی های جامعه خط و مش اتحادیه تعیین گشت و روز ۱۱ اردیبهشت ۷۶ اتحادیه مستقل کارگران ایران رسماً اعلام موجودیت نمود. (۳)**

همانطور که از نقل قول بالا برمی آید، محرک شکل گیری اتحادیه مستقل کارگران ایران تحولات درون جنبش های اعتصابی و اعتراضات کارگران نبوده است. محرک اصلی شکل گیری این اتحادیه در روایت بالا یک فرد رهبر است. این رهبر از زندان آزاد می شود، از طریق تماس با محافل کارگری آنان را برای ایجاد یک اتحادیه قانع می سازد. آنگاه این محافل تحت رهبری، طی فعالیت های مخفی شبانه روزی، که گویا ۹ سال بطول می انجامد، موفق می گردند تا طبقه کارگر ایران، یا حداقل بخش قابل توجهی از کارگران کارخانجات و صنایع را متقاعد سازند تا همراه با محافل فوق و تحت رهبری ایشان اتحادیه مستقل خودشان را بطور مخفیانه سازمان دهند. روایت شگفت انگیزی است. قطعاً هر کارگری با مشاهده کسانی که چنین داستانی کانگستری را پذیرفته اند، در برخورداری آنها از عقل سلیم شک خواهد کرد. این روایت از پیدایش اتحادیه مستقل با جنبش کارخانه بطور کلی بیگانه است. اوضاع جنبش کارگری دو دهه اخیر و توازن قوای موجود جایی در این روایت ندارد. این روایت مملو از روح فردگرایی و قهرمان پرستی است.

رهبران صالح دستگاه سیاسی جامعه با چتری آذین شده از پول و تبلیغات از آسمان به زمین می آیند. رهبران اتحادیه ها بر شانه های خسته همکاران خود پا می نهند تا از پله های هیراشی قدرت صعود کنند. ولی رهبر اتحادیه مورد ادعای چپ، هیچ یک از این دو نیست. او از درون غباری سبز و سفید ظهور می کند. بسان قهرمانان جنگ های دهقانی پنهان در زره، به محافل مرید خود می پیوندد، آنگاه در نقش ناجی طبقه کارگر، مخفیانه هزاران کارگر را به راه رستگاری می کشاند. در این روایت نگرش تحقیر آمیزی به آگاهی و جمع گرایی کارگران نهفته است. کارگرانی که هنوز هم اجازه داده اند تا شوراهای اسلامی در بسیاری از صنایع تشکیل یا تثبیت شوند و نمایندگان خود را بارها به رژیم تحمیل کرده اند. در این روایت چونان مردم مفلوکی تصویر شده اند که گویا در انتظار یک ناجی برای گشایش سحرآمیز کارشان بسر می برده اند. شاید از همین روست که بیانیه های ملامات از احساسات سوزان در باره چرسنگی شب عید کارگران به امضای مشترک اتحادیه و نماینده اش صادر میگردد. با این وصف در صحت داده های اتحادیه مستقل راجع به پیدایش خود جای تردید بسیاری وجود دارد. بنابراین چگونه باید پیدایش و فعالیت چنین اتحادیه ایی را باور داشت؟ آیا ممکن است که جمع کوچکی از فعالین سیاسی هدف خود را ایجاد اتحادیه مستقل کارگری قرار داده باشند. در این صورت می توان تنها از عدم بلوغ سیاسی این عده در بکارگیری سبک کار بورژوازی چپ چشم پوشید و به مضمون حرکت شان پرداخت. اما در چنین حالتی نیز شایسته تر آن بود که این جمع می کوشیدند تا به جای وسیله قرار دادن فقر و گرسنگی کارگران، استدلالات سیاسی خود را مبنی بر ضرورت ایجاد اتحادیه ارائه میکرد و از نظرات خود دفاع می نمود. اما مسئله گویا این گونه هم نیست. اتحادیه مستقل اساساً تصویر دیگری از خود ارائه می دهد. تصویری که صریحاً چنین ایده ای را تکذیب می کند.

**... بدنبال اعلام موجودیت اتحادیه مستقل کارگران ایران، بلافاصله شهرهای تهران، تبریز، قزوین، اراک از طریق مختلف زیر پوشش وسیع تبلیغاتی اتحادیه قرار**

**گرفت و سپس در اعلامیه های بعدی از رژیم خواسته شد که اتحادیه را برسمیت بشناسد. (۴)**

نگاهی به اطلاعیه های اتحادیه مستقل نشان می دهد که قدرت و پوشش وسیع تبلیغاتی این اتحادیه به چهار شهر بزرگ یادشده در بالا محدود نمی گردد. اطلاعیه "کشتار در دریا، سرکوب در بندر (۵) اخبار دقیق حادثه قربانی شدن ماهیگیران، اعتراضات آنان و بلاخره خواسته های کارگران شیلات جنوب و شمال را نیز دربر دارد. اعلامیه "اعتصابات کارگران ریخته گری یزد مصمم به پیش میبرود" بگونه ای است که حضور اتحادیه در این کارخانه را علنی می کند. (۶) بدین سان اتحادیه نه تنها در باره دامنه حضور در شهرهای اصلی و بزرگ در شمال و جنوب جای شکی باقی نمی گذارد، بلکه علی رغم فعالیت مخفی تا سرحد اعلام حضور در کارخانه های مشخص نیز به پیش می رود. نامه اتحادیه به رئیس جمهور با امضاء نماینده، هرگونه شک و شبهه ای را راجع به ابعاد گسترده فعالیت و سراسری بودن اتحادیه مستقل کارگران ایران برطرف می سازد و بر پایگاه وسیع و قابل توجه آن در میان کارگران و خانواده هایشان تأکید می نماید.

**... اتحادیه مستقل کارگران ایران از زمان اعلام موجودیت خود (که کمتر کسی است که اعلام موجودیت اتحادیه مستقل کارگران ایران را نشنیده باشد). تاکنون**

**برای موجودیت علنی و خواست های برحق خود علاوه بر اطلاعیه های مختلف، ۳۶ مورد اعتراضات کارگری را در نقاط مختلف کشور و در اشکال مختلف**

**راهپیمایی، اعتصاب، جلوگیری از خروج کالا به هنگام تولید، کم کاری و تحصن را سازمان داده است. در این رابطه تا آنجا که اتحادیه مطلع است حدود ۹۴۰**

**نفر از کارگران دبیرمان در نقاط مختلف کشور دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند، که حدود ۴۳۰ نفر پس از چندین روز بازداشت و بازجویی آزاد**

**گشته و بقیه هنوز در زندانند. که از سرنوشت ۱۸۰ نفر از زندانیان کارگر هیچ اطلاعی نداریم. چرا که به خانواده های آنان چه در تهران و شهرستانها، تاکنون**

**ملاقات داده نشده و خانواده ها را با جوابی مبهم می دوانند. اعتراضات چند ماهه اخیر بخاطر برسمیت شناخته شدن تشکل مستقل ما از طرف دولت شما و**

**اضافه دستمزد و ایجاد ایمنی در محیط کار و خواست های مشخص هر واحد تولیدی صورت گرفته است. (۷)**

سطور نقل شده بالا از نامه نماینده اتحادیه مستقل به ریاست جمهوری حاکی از آنست که اتحادیه در جریان دقیق و کامل سرنوشت ۹۴۰ نفر از کارگران که مورد ضرب و شتم قرار گرفته و دستگیر شده بودند، کسانی که از زندان آزاد شده اند و بالاخره در جریان دقیق اقدامات خانواده های ۱۸۰ نفر از مفقود شدگان می باشند. جان کلام اینکه ما خود را در مقابل یک اتحادیه قوی کارگری با پایگاه وسیع توده ای یافته ایم. با جرات می توان اذعان داشت که چنین بنظر می رسد که این اتحادیه، حتا از خانه کارگر جمهوری اسلامی نیز پر قدرت تر است. تفاوتش در این است که خانه کارگر تجلی حاکمیت طبقه مسلط است و ارگانهای صنفی- پلیسی کارخانه را رهبری می کند. اما اتحادیه مستقل کارگران ایران آحاد وسیع کارگران ایران را متشکل نموده و اعتراضات آنها را هدایت می کند.

## اخبار و اشکال اعتراضات کارگری به روایت اتحادیه مستقل!

.... بنابراین انتظار طبیعی هر ناطری، از مدعیان اتحادیه مستقل (صرفنظر از ماهیت سیاسی آن) این است که آنها دست کم گوشه ای از وقایع و تحولات مربوط به اعتراضات کارگران را بطوری که تصویر عینی از وقایع و تحولات بدست دهد، منعکس سازد. نگاهی به اطلاعیه های اتحادیه مستقل نشان می دهد که مسئله کاملاً برعکس است. اطلاعیه های مذکور دارای مضامینی آشفته هستند. اخبار آغشته به شعار پردازیهای هیجان آمیز در باره گرسنگی و فلاکت شب عید کارگران عکس برداری شتابزده خبرهای مطبوعات بورژوازی است. و بدتر از همه آنجا که انگشت روی اشکال اعتراضات کارگری نهاده می شود، بیگانگی صادر کنندگان این بیانیه ها از مبارزات کارگری در شرایط امروز برملا می گردد. برای درک بهتر نکات یاد شده مراجعه به نمونه های مشخص ضروری است. در اطلاعیه به کارگران "پرسان" بدون هیچگونه اشاره به ریشه های اعتراض، مراحل آن و غیره، با اشاره شعارگونه خواسته ها چنین می خوانیم.

**... ما کارگران خون می دهیم، گشته می شویم، اما خودسوزی نمی کنیم. ما کارگران درست است که غارت می شویم، ولی خانواده گسترده و با قدرتی هستیم. گستره خانواده کارگری ما، تا آنسوی کره خاکی ادامه می یابد. از مبارزات و خواسته های بر حق شما حمایت کارگری با شکوهی صورت خواهد گرفت. اتحادیه مستقل کارگران ایران اعلام می دارد که اگر مدیریت کارخانه و صنایع نظامی که این واحد تولیدی تحت پوشش این سازمان است تا ۲۵ اسفند ۷۶ ( مهلت داده شده از طرف کارگران پرسان برای تحقق خواسته هایشان ) خواست کارگران پرسان را تحقق نبخشد، با تمام قوا از طریق اعتراضات کارگری به حمایت از کارگران شریف پرسان خواهد برخاست. (۸)**

اطلاعیه بالا به امضاء نماینده اتحادیه (آقای علی اعتمادی) با تاریخ ۷۶/۱۲/۲۰ صادر شده است. روزنامه جمهوری اسلامی به تاریخ ۷۶/۱۲/۲۱ این خبر را درج نمود. بنابراین گزارش، کارگران کارخانه پرسان در اعتراض به عدم دریافت حقوق و عیدی در روز ۷۶/۱۲/۲۰ بمدت ۱۶ ساعت جاده اصلی رشت و صومعه سرا را مسدود می کنند. آیا این بدین مفهوم است که بدنال صدور اطلاعیه اتحادیه مستقل اعتراض کارگران آغاز شده است؟ آیا حالت دیگری نیز می تواند شامل اتحادیه و کمیته های حمایتی شان گردد؟ اطلاعیه های دیگر اتحادیه مستقل مندرج در نشریه "کارگر سوسیالیست" مصداق نکات مشابهی است. خواسته ها و نکات ذکر شده در اطلاعیه مربوط به اعتصاب کارخانه ذوب فلزات یزد محدود به همان داده هایی است که در مطبوعات رسمی حکومتی درج

گردیده است. نکته جالب آنکه یکی از سازمان های استالینیست (۹) این خبر را به نقل از مطبوعات رژیم درج نموده و سپس اطلاعیه ای نیز در این رابطه بتاريخ ۷۷/۱/۲۱ منتشر کرده است. نشریه تروتسکیستی "کارگر سوسیالیست" اما این خبر را با همان مضمون با امضاء اتحادیه مستقل در خرداد ماه تکرار کرده است. این شیوه جدیدی در سبک کار چاپ نیست. آنچه جدید است نحوه ایجاد اتحادیه مستقل کارگری و ارائه اخبار مطبوعات رسمی و الحاق کردن سوز و گداز در باره گرسنگی و بی حقوقی کارگران، بنام این اتحادیه است.

تناقضات ابهام برانگیز اتحادیه مستقل .. را پایانی نیست. اما جالب تر از همه ، مضمون نامه به رئیس جمهور حکومت اسلامی است.... متن نامه چنین آغاز می شود، **"آقای رئیس جمهور! امروز نزدیک به ده ماه است که از یازده اردیبهشت روز اعلام موجودیت علنی اتحادیه مستقل کارگران ایران می گذرد. شما و دولتتان هیچ واکنش مثبتی در قبال ایجاد اتحادیه مستقل کارگران ایران نشان ندادید. آقای خاتمی! از ما خرده نگیرید که چرا این چنین کارمان را شروع کردیم. ما قبل از شکل دادن به این اعتراضات به تمامی نهادها و شخصیتها از مدیریت هر کارخانه و شرکت گرفته تا وزارت کار، دفتر رئیس جمهور سابق رفسنجانی و بعد دفتر جناب عالی و دهها شخصیت و نهاد دیگر نامه نوشته ایم و از مشکلاتمان سخن گفته ایم.... ما خواهان برسمیت شناخته شدن تشکل مستقل خودمان هستیم تا بتوانیم از طریق آن به خواسته های برحقمان، به آرزوهای برباد رفته مان، به زندگی غارت شده مان، گامی نزدیک تر شویم. (۱۰)**

در سطور بالا نکته شایان توجهی به چشم می خورد. این اتحادیه مستقل و مخفی! در جایی ادعا می کند که برای برسمیت شناخته شدن و تحقق دیگر خواسته ها ۳۶ مورد اعتراضات کارگری را در صنایع مختلف سازمان داده است. و پایین تر متذکر می شود که پیش از شکل دادن به اعتراضات با مدیریت کارخانه، وزارت کار، و حتا رئیس جمهور مکاتبه کرده و مراتب اعتراض را باطلاع آنها رسانده است. آیا این بدین معنا نیست که اتحادیه چندان هم مخفی نیست؟ ... نویسندگان سناریو اتحادیه مستقل و در پیشاپیش آنها تروتسکیستها، بحق نیز به درک رسالت اتحادیه ها در عصر حاضر نائل گشته اند. در این رابطه نامه نماینده اتحادیه مستقل به رئیس جمهور از هر لحاظ قابل تأمل است. هم بلحاظ مضامین بغایت بورژوازی و سرمایه پسند خواسته هایش و هم از نظر شکل زبان متناسب با محتوا. بیان ملتسمانه خواسته ها چندان شتاب زده است که بعضاً به ادعای عجیب و بی پایه ای انجامیده است. در بخشی از این نامه به تعداد و اشکال اعتراضات سازمانیافته شده از طرف اتحادیه پرداخته شده و چنین آمده است.

**علاوه بر اطلاعیه های مختلف ۳۶ مورد اعتراضات کارگری را در نقاط مختلف کشور در اشکال مختلف راهپیمایی، اعتصاب، جلوگیری از خروج کالا به هنگام**

**تولید و تحصن را سازمان داده است.**

**۲ \_ اتحادیه مستقل و جناح چپ**

تا اینجا ما بر سر خواسته های اتحادیه مکث کردیم. بنظر می رسد که گرایشات مختلف چپ در رسمیت بخشیدن به چنین اتحادیه ای در صفوف خود نیز دچار مشکلات

جدی هستند. گویا تناقضات فاحش و غیر قابل اغماض اظهارات مدعیان اتحادیه مستقل سبب واکنش احتیاط آمیز برخی سازمان های طرفدار پرو پا قرص اتحادیه های کارگری گشته است. تروتسکیستها از این شیوه محتاط مبلغین و مدافعین لزوم تشکیل اتحادیه های کارگری سخت برآشفته شده اند و در نشریه خود می نویسند،

**"با اعلام موجودیت اتحادیه مستقل کارگران ایران در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۶ و بویژه دخالت عملی آن در چند ماه گذشته، حمایت از آن از اهمیت زیادی برخوردار گشته است. ما نظریه شکاکان خارج از کشور را، که دست به بی اعتبار کردن این نهاد از طریق شایعه پراکنی و اشاعه تئوری توطئه مبنی بر اینکه چنین نهادی "قلابی" است، مردود اعلام می کنیم. به اعتقاد ما حتا چنانچه چند تن از کارگران در ایران به چنین عملی دست زده باشند و یا همه اعلامیه ها در خارج از کشور منتشر شده باشد\_ (که چنین نیست. رجوع شود به اطلاعیه های اتحادیه مستقل کارگران ایران در شماره ۵۱ کارگر سوسیالیست) کماکان وظیفه نیروهای مدافع جنبش کارگری، پشتیبانی قاطع از آن می بایست باشد. (۱۱)**

پس بی جهت نیست که فعالان پرو پا قرص جلب حمایت سازمان های جهانی کار و اتحادیه های وابسته به دولت های اروپا ( حزب کمونیست کارگری و خیل کمیته هایش، راه کارگر، انجمن کارگران تبعیدی و ..) هنوز رسماً و علناً به کُر همبستگی با اتحادیه مستقل کارگران ایران ملحق نشده اند. از مطالب نقل شده بالا چنین بر می آید که سخن بر سر نوعی شکاکیت است. اینان نگران آنند که سیاست ها و اهداف مطرح شده توسط اتحادیه تنها بر روی کاغذ در خارج از کشور تدارک دیده شده باشد. از این روست که نشریات وابسته به این دسته از چپ کماکان سکوت کرده اند. حقیقت این است که مشکل این دسته نه محتوای ارتجاعی خواسته ها و ماهیت ضدانقلابی اتحادیه، بلکه تردیدشان در وجود چنین اتحادیه ای است. اما تروتسکیستها بی پروا تر از آنند تا در تشویش دیگر گروه ها سهیم گردند. آنها از چپ تقاضا می نمایند تا حتا اگر نماینده اتحادیه مستقل منتخب چند نفر در ایران باشد، از وی بعنوان نماینده ملیونها کارگر حمایت کنند. آیا این خواسته عجیبی نیست؟ حکایت اتحادیه مستقل کارگران ایران به روایت چپ براستی نیز شگفت انگیز است. احوال کسی که به همین سادگی خود را نماینده ملیونها کارگر بخواند جداً قابل مطالعه است. اما فراخوان تروتسکیست ها به دیگر گروه های اردوی چپ برای پذیرش این ادعا معمایی است که یافتن پاسخ آن براساس معیارها و موازین سبک کار احزاب بورژوازی دشوار است.

حرکت تاکنونی اتحادیه مستقل کارگران ایران مملو از پرسش های بی جواب است. واکنش انتقاد آمیز تروتسکیست ها در مقابل شکاک ها و طرفداران تئوری توطئه کمکی به حل مسئله نمی کند. چرا که علی رغم اینکه اتحادیه مستقل وابستگی خود به جناحهای رژیم و دیگر احزاب را در انتهای نامه خود به رئیس جمهور تکذیب نموده است. مضمون نامه براستی نیز یادآور جدالهای جناحها است.

**" آقای رئیس جمهور اگر مردم به شما رأی دادند بخاطر مسلمان بودنشان نبود. چرا که دیگر رقبای انتخابی شما نیز مسلمانند. بخاطر روحانی بودن شما نیز نبود چرا که دو نفر از رقبای اصلی شما روحانی بودند. واقعیت اینست که شما قول نهاده شده نهادی را دادید. و رقبایان نهادهای اجتماعی را نادیده گرفتند. باز واقعیت این است که تاکنون کوچکترین توجهی به نهاد جوشیده از درون ما کارگران و خواسته های ما نداشته اید. (۱۲)**

## منابع و توضیحات

- ۱\_ از آنجا که اغلب سازمان های موجود در جناح چپ اپوزیسیون اطلاعیه مربوط به اعلام موجودیت شبکه همبستگی با جنبش کارگری ایران را در نشریت خود درج کرده اند، ما نیازی به ذکر نام یک یک آنها ندیدیم.
- ۲\_ پیام به شبکه همبستگی با کارگران ایران، نشریه " کارگر سوسیالیست شماره ۵۳ ". ۳\_ صدایمان را رساتر می کنیم. نشریه "کارگر سوسیالیست شماره ۵۱" ۴ و ۵ ، همانجا
- ۶\_ اعتصاب کارگران ریخته گری یزد مصمم به پیش می رود، کارگر سوسیالیست شماره ۵۳
- ۷\_ نامه سرگشاده اتحادیه مستقل کارگران ایران به ریاست جمهوری، علی اعتمادی، کارگر سوسیالیست شماره ۵۱
- ۸\_ به کارگران پارس، اتحادیه مستقل کارگران ایران. کارگر سوسیالیست شماره ۵۱
- ۹\_ کار، نشریه سازمان فدائیان اقلیت شماره ۳۱۳
- ۱۰\_ منبع شماره ۷
- ۱۱\_ کارگر سوسیالیست، شماره ۵۲ ۱۲\_ منبع شماره ۷